

امکان‌سنجی تعمیم روش ژیلبر دوران در تحلیل آثار رضا عباسی

امیرحسین چیت‌سازیان^۱، اصغر جوانی^۲، ملیحه حیدری^۳

۱- دانشیار دانشگاه کاشان، دانشکده معماری و هنر

۲- دانشیار دانشگاه هنر اصفهان

۳- کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه کاشان، maliheheidari192@gmail.com

چکیده

تخیل از جمله عناصر دخیل در پیدایش آثار هنری است که هر یک از هنرمندان به روشی خاص از آن کمک می‌گیرند. یکی از هنرمندانی که از این موهبت به نحو مناسبی استفاده کرده است، رضا عباسی است که پژوهشگران بسیاری در زمینه آثار وی به تحقیق پرداخته‌اند. اما خوانشی متفاوت، می‌تواند جنبه‌های دیگری از آثار او را آشکار کند. مطالعه تخیل در آثار رضا عباسی با استفاده از روش ژیلبر دوران، یکی از این روش‌هاست که تاکنون به آن پرداخته نشده است. در واقع این پرسش که آیا نظریه ژیلبر دوران در رابطه با تخیل قابل تعمیم در تحلیل آثار هنرمندان ایرانی هست یا نه؟ ذهن نگارندگان را درگیر کرد که بر این اساس به سراغ یکی از هنرمندان عصر صفوی رفتند. در این رابطه، تحقیق تحلیلی-توصیفی خود را با گردآوری اطلاعات به روش اسنادی آغاز نموده، پنج اثر از رضا عباسی را برای این ارزیابی انتخاب کرده‌اند. حاصل این تحقیق توسعه ای و ترویجی، نشانگر آن است که، این آثار در طبقه بندی‌های صورت گرفته در نظریه دوران جای می‌گیرند و ترس از زمان و مرگ و تلاش برای تسلط بر این ترس در این آثار دیده می‌شود. بنابراین تعمیم روش ژیلبردوران در تحلیل آثار رضا عباسی امکان پذیر است.

واژگان کلیدی: تخیل هنری، روش ژیلبردوران، نمادهای تخیل، نگارگری ایرانی، رضا عباسی

۱- مقدمه

تخیل و خیال عناصری هستند که ذهن اندیشمندان را از گذشته تا به حال، به خود مشغول کرده‌اند. این موضوع، هم در تفکر غرب و هم در تفکر شرق مورد بحث فراوان بوده است. فلسفه غرب که دیدگاه مثبتی نسبت به تخیل نداشت، با شکست عقلانیت، این مبحث را در کانون توجه خود قرار داد. اندیشمندان جامعه شناس و به تبع آن انسان شناس به مطالعه فرایند تخیل و کارکرد آن در زندگی اجتماعی پرداختند. در این میان ژیلبر دوران (انسان شناس و منتقد ادبی) سهم بسزایی در بررسی تخیل و شکل‌گیری جامعه‌شناسی تخیل دارد. دوران کوشید تا تخیل را در مظاهر گوناگونش بررسی کند. در این زمینه تحت تأثیر هانری کربن با مبحث خیال فلاسفه اسلامی همچون ابن سینا، سهروردی، ملاصدرا و ابن عربی آشنا شد که بر تفکرات وی بسیار مؤثر بود. خیال در انسان شناسی اسلامی، یکی از قوای پنج‌گانه باطنی است. این قوه از قوه حفظ صور و ترکیب و تفصیل آنها در آراء فارابی به تخیل فعال در فلسفه ملاصدرا تبدیل شد. مبانی فکری این فلاسفه بر هنرهای رایج آن